

مقاله پژوهشی: آسیب‌شناسی بحران‌های اجتماعی و الزامات سیاست‌گذاری

امنیتی در پیشگیری از آن

محمد رئیسی^۱، حمید پیشگاه هادیان^۲، جهانبخش ایزدی^۳ و مهدی جاودانی مقدم^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰

چکیده

بحران‌های اجتماعی که می‌توانند موجبات بی‌نظمی و ناامنی را فراهم آورند، همواره تأثیرات مهمی بر امنیت داشته و دارند. از آنجایی که هر بحران اجتماعی مولود مسائل و مشکلات گوناگونی است، شناخت ابعاد و ویژگی‌های آن‌ها از قدم‌های اولیه در مدیریت بحران خواهد بود. بنابراین این پژوهش به منظور بحث از علل بروز شورش‌های شهری و نحوه مدیریتشان انجام شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیقی کاربردی، از حیث روش توصیفی و از نظر گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. جامعه آماری این پژوهش را متخصصین علوم سیاسی، امنیتی و انتظامی تشکیل داده که با روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای تعداد ۲۵ نفر به عنوان حد نمونه انتخاب شدند. بر اساس یافته‌های پژوهش و ضریب مسیرها به ترتیب علل اقتصادی با ۳۲/۱، سیاسی ۳۰/۴ فرهنگی ۲۶/۳ و اجتماعی با ۲۴/۲ درصد تغییرات مربوط به شورش‌های شهری را به طور مستقیم تبیین می‌کنند و عوامل اجتماعی بطور غیرمستقیم و از طریق متغیرهای میانجی اقتصادی ۳۹/۷، سیاسی ۶۳ و فرهنگی ۴۵/۳ درصد در وقوع شورش‌های شهر تهران تأثیر دارد. این در حالی است که اقداماتی که در حال حاضر با عنوان تأمین امنیت به منظور پیشگیری از بحران‌های اجتماعی صورت می‌گیرد عمدتاً اقدامات سلبی و مقابله‌ای در کاهش جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، بحران‌های اجتماعی، پیشگیری، سیاست‌گذاری امنیتی، تهران

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (سیاست‌گذاری عمومی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی raeisimohamad66@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) ham.pishguahadian@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی amirramezani2020@yahoo.com

۴. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم javdani2020@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مساله

امنیت را بر اساس تهدیدات تعریف و تقسیم‌بندی می‌کنند و مفاهیم کلیدی چون بحران‌ها در انواع و اقسام گوناگون، همواره تأثیرات مهمی بر امنیت داشته و دارند. بحران‌ها از دیرباز جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی بوده‌اند و روز به روز بر تعدد و تنوع‌شان افزوده می‌شود و دیگر پدیده‌هایی با ویژگی غیرعادی، کمیاب، اتفاقی تلقی نمی‌شوند. چنان‌که بحران‌ها و شورش‌های شهری از معضله‌ها و دغدغه‌های اصلی جوامع در حال گذار است و بسیاری از دولت‌ها در طول تاریخ خود همواره با شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی روبرو بوده‌اند. در بسیاری از موارد، این وضعیت‌ها آنچنان جدی بوده که از رهگذر آن، حاکمیت و منافع ملی حیاتی آن دولت‌ها در معرض خطر و تهدید قرار گرفته است. (پیری، ۱۳۹۴: ۵۴)

در واقع با پیشرفت جوامع شهری و بالا رفتن آگاهی‌های اجتماعی در پرتو گسترش ارتباطات و به تبع آن مطالبه نیازهای جدید و سطح بالاتری از رفاه افراد و گروه‌ها، فضای جدیدی به وجود آورده که فشارهای روزافزونی را بر دولت‌ها باعث شده و روشن می‌سازد که توانایی دولت‌ها کمتر از گذشته است و دستور کار آنها در حال افزایش؛ ولی آن‌ها فاقد اراده و منابعی هستند که توانایی‌های خود را به همان میزان گسترش دهند. بنابراین به وجود آمدن فاصله نامطلوب بین انتظارات مشروع افراد و آنچه در جامعه برای تحقق چنین انتظاراتی وجود دارد، موجب بروز رفتارهای نابهنجار می‌شود و اگر چنین مشکلی فراگیر باشد، رفتارهای نابهنجار نیز دامنه وسیع و گسترده‌ای خواهد داشت که به آشوب و اغتشاش می‌انجامد. در واقع مردم به تدریج نوعی محرومیت نسبی را احساس می‌کنند و احساس بی‌عدالتی در میان آنان قوت می‌گیرد که می‌تواند تهدیدکننده امنیت داخلی باشد. این موضوع به ویژه در مناطق کلان‌شهری که سهم عمده‌ای از جمعیت و اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده و بروز ناپایداری‌های امنیتی در آن‌ها می‌تواند امنیت ملی را نیز در عرصه‌های گوناگون به خطر بیندازد، اهمیت مضاعفی می‌یابد.

بنابراین مدیران باید پیوسته، برای پیشگیری و یا کاستن از تأثیر آنها به دنبال و اتخاذ راه‌ها و روش‌هایی باشند که از طریق آن بتوانند چالش‌ها و آسیب‌های جامعه را مورد شناسایی و حل و فصل قرار دهند. مزیت شناسایی به موقع آن است که اغلب می‌توان عوامل بحران‌زا را از همان آغاز پیدایش برطرف کرد. بنابراین مدیریت بحران را باید در زمره سازوکارهای سیاست‌گذاری امنیتی دانست که برای حفظ نظم و تأمین امنیت از ابزارها و رویکردهای مؤثری بهره می‌برد.

به طور طبیعی عمده نظام‌های سیاسی نیز در این رابطه در حد توان خود تلاش نموده‌اند که البته بسیاری از فنون مدیریت بحران برای مقابله با بحران‌ها توسعه یافته است. (روشندل و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۴) در واقع بروز شورش‌ها و ناآرامی‌ها می‌تواند بهانه لازم برای استفاده از روش‌های سلبی را به منظور حفظ نظم و قانون فراهم کند. از آنجا که دولت‌ها این اقدامات (ناآرامی‌ها) را تهدید علیه نظم و امنیت عمومی تلقی می‌کنند، تحت عنوان حفظ منافع و مصالح عمومی کشور اقدام به مقابله با آن می‌نمایند. (Lloyd, 2005: 25)

در پرتو این رویکرد، مسئولیت مهار بحران‌های اجتماعی - و البته در بیشتر موارد بطور غیر مستقیم - به نهادهای سیاسی، امنیتی و قضایی سپرده شده است. حال آنکه «تأمین امنیت و کنترل بحران تنها از طریق مدیریت انتظامی یا ستاد حوادث غیر مترقبه و مقابله با آن امکان پذیر نمی‌باشد و سیاست‌گذاری امنیتی برای پیشگیری از تهدیدات به توجهی جامع، همه جانبه‌نگر و فراتر از وضعیت موجود نیاز دارد»

این امر مستلزم ریشه‌یابی مؤلفه‌هایی است که می‌توانند پتانسیل گسترش یا وقوع آشوب‌های اجتماعی در سطوح خرد و کلان را به وجود آورند. در واقع قبل از بحران، پیش زمینه‌ای به نام تهدید یا خطر بالقوه وجود دارد که شناسایی، اولویت‌سنجی و تبیین راهبردی منسجم برای مهار هر کدام از آنها نقش مهمی در تضعیف ضریب وقوع بحران‌های اجتماعی ایفا می‌کند. البته اینکه چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، علل متعدد و متغیری دارد که در هر جامعه‌ای به تبع ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن فرق دارد. همانطور که روند رو به رشد تهران در چند دهه اخیر به گونه‌ای بوده که زمینه ناپایداری امنیتی را در

این شهر به وجود آورده است. به گونه ای که تراکم بالای جمعیت تهران، فرصتهای برابر اشتغال زایی، رفاه همگانی و بهره‌وری از خدمات عمومی را کاهش و با ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی، پتانسیل وقوع شورش‌های شهری با هویت و ماهیت‌های متفاوت را افزایش داده است. بنابراین بحث از شورش‌های شهری و علل بروز آنها و نحوه مدیریتشان، از جمله موضوعات مهم مدیریت بحرانها می‌باشد که در صورت عدم توجه کافی به آن می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای ناهنجاری قرار گیرد که اقتدار نظام را خدشه‌دار می‌سازد. از این رو در این پژوهش سعی شده ضمن «بررسی زمینه‌ها و علل شکل‌گیری بحران‌ها، سیاست بهینه تأمین امنیت به مفهوم پیشگیری از ایجاد و شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی» با رویکرد ارتقای رضایت همگانی در چارچوب قوانین بالادستی که با اقتدار نظام و پذیرش و همسویی جامعه ارتباط مستقیمی دارد، ارائه گردد.

پیشینه تحقیق:

- کریمی خوزانی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه الگوی مطلوب اخلاق‌مداری پلیس در مواجهه با بحران‌های اجتماعی (ازدحامات، اغتشاشات و اعتراضات خیابانی)» در پی ارائه چارچوبی هستند تا عملکرد پلیس، در مواجهه با بحران‌های اجتماعی علیرغم استفاده از روش‌های قهری، در موضع انطباق با معیارهای اخلاقی نظیر تخصص‌گرایی، مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای، اعتمادسازی، مصلحت‌اندیشی و ... قابل دفاع شود.

- سلیمی (۱۳۹۳) در مقاله «شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران‌های اجتماعی و ارائه الگوی کاربردی انتظامی» دو حوزه پیش‌بینی و پیشگیری را به عنوان مهمترین مؤلفه‌های مدیریت بحران می‌داند و شاخص‌هایی از قبیل؛ کانون‌های جرم‌خیز، میزان خسارات احتمالی وارده به سیستم و سازمان، عوامل تهدیدکننده نظام و نظم و امنیت و محل آسایش فردی نیز به عنوان عوامل حائز اهمیت تشخیص داده شده‌اند.

- احمدوند و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت بحران‌های اجتماعی (اعتصاب، تظاهرات اعتراض آمیز و...)» با رویکرد پلیس جامعه محور، الگویی سه

مرحله‌ای برای نوع برخورد نیروهای انتظامی و پلیس، به مثابه اصلی‌ترین نهاد نظام‌بخش با معترضان و اعتصاب‌کنندگان شامل مرحله پیشگیری، مرحله کنترل با روش‌های مسالمت‌آمیز و مرحله کنترل بحران با روش‌های قهری ارائه می‌دهند.

- ابطیحی و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی مدل پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیشگیری از آنها توسط ناجا» معتقدند بحران از هر نوعی، می‌توانند زمینه‌ساز سایر بحران‌ها نیز باشند، لذا همین امر لزوم اتخاذ رویکردی فعالانه، مبتنی بر پیش‌نگری در این خصوص توسط پلیس که متولی اصلی برخورد با این گونه از بحران‌ها می‌باشد را بیش از پیش می‌کند.

- عصاریان‌نژاد و مؤمنی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین و ترسیم مؤلفه‌ها و شاخص‌های تولید اختلال و بی‌نظمی اجتماعی» به بررسی چگونگی حفظ نظم و ثبات جامعه از طریق کنترل اجتماعی می‌پردازند و معتقدند شناخت مؤلفه‌ها و شاخص‌های ایجاد بی‌نظمی در جامعه می‌تواند به متولیان کنترل اجتماعی جهت شناخت ابعاد مختلف این پدیده و پیشگیری از تغییرات ناگهانی و بی‌نظمی، بدون امنیتی نمودن جامعه و استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز و بدون تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی فراوان کمک نماید.

- دیوید پولارد و سبین هوثو^۱ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «بحران؛ سناریوها و روند مدیریت استراتژیک» معتقدند برای آنکه سازمان بتواند از حالت تدافعی نسبت به بحران (مقابله با بحران) به سمت آمادگی در مقابل بحران (وضعیت پیش‌فعالانه) حرکت کند، می‌بایست موانع بالقوه را بر سر راه دستیابی به اهداف و اجرای مؤثر راهبرد که همان عوامل بالقوه بروز بحران است، شناسایی و مشخص کنند.

در مجموع اگرچه در بررسی تحقیقات یاد شده، اطلاعاتی در خصوص موضوع پژوهش وجود دارد، اما هیچکدام از آنها به صورت خاص به بررسی سیاست‌های پیشگیری از شورش‌های شهری نپرداخته‌اند و عمدتاً با روش پس‌رویدادی و با هدف تغییر در رویکرد انفعالی به رویکرد کنشی در مدیریت بحران‌های اجتماعی که به صورت سلبی و

¹ - Pollard & hotho

سخت‌افزاری پیگیری می‌شود، صورت گرفته و مسئولیت و نقش اصلی را بر عهده دستگاه‌های انتظامی می‌دانند. اما پژوهش حاضر با تغییر سیاست‌گذاری مدیریت بحران‌ها در حوزه امنیتی از حالت تدافعی (مقابله با بحران) به سمت پیشگیری از بحران در معنای ایجابی آن به شکل ارتقاء کیفیت زندگی افراد و نیز وصول جامعه به اهداف و ارزش‌های تعیین شده توجه نموده است که نقش اصلی در این نوع پیشگیری و تأمین امنیت را دستگاه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در موضوعات و ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌نمایند. این رویکرد، نه تنها کیفیت زندگی اجتماعی را ارتقاء می‌دهد بلکه از تولید ناامنی هم جلوگیری می‌نماید.

مفاهیم و مبانی نظری

- بحران اجتماعی^۱ :

بحران به معنی ایجاد بی‌نظمی و اختلال در زندگی است که باعث به هم خوردن توازن و تناسب بین نیازها و منابع می‌گردد. (تابلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۰) بارنت^۲ بحران را در پیوستاری تعریف می‌کند که از حادثه آغاز شده و با واقعه ادامه می‌یابد، به وسیله تعارض دنبال می‌شود و با بحران خاتمه می‌یابد. یعنی شرایطی خارج از وضعیت عادی که الگوهای مدیریتی متداول در هنگام بروز آن کارساز نیست. (Burnett, 1998:476)

یک بحران اجتماعی زمانی حادث می‌شود که اختلالاتی در جامعه پدید آید که تعادل عمومی، عملکرد بهنجار و معمول حیات اجتماعی را به مخاطره افکند. یک بحران عمومی اجتماعی نشان از آن دارد که جامعه فاقد توانایی سامان‌یابی و تأمین و تحفیظ نظم اجتماعی است، و استعداد و قابلیت درونی خود را برای حل مسائل مربوط با تطور جامعه از دست داده است. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۹-۲۸) بنابراین، بحران تنها مفهومی نیست که از طریق آن

^۱ - social crisis

^۲ - Burnett

می‌توان درکی از حوادث بحرانی حاصل کرد، بلکه مفاهیم متعدد دیگری همچون شورش و ... را به نحوی از انحاء به این پدیده رجوع می‌دهند. (همان: ۵۰)

می‌توان گفت شورش، ناامنی، اغتشاش، ناآرامی و مانند آن از مصادیق بحران‌های اجتماعی هستند که به دلیل بروز یک وضعیت کاملاً بحرانی و نابسامان یا در اثر وجود عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی پدید می‌آیند و از جمله موضوعات چندوجهی و قابل توجهی است که اذهان بسیاری از اندیشه‌گران را به خود معطوف کرده است و صاحب‌نظران گوناگونی از زوایای مختلف به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند.

تد رابرت گر^۱ معتقد است بحران زمانی شکل می‌گیرد که نارضایتی عمومی در جامعه به صورت گسترده ایجاد شده و مردم نظام سیاسی حاکم را مسئول پیدایش آن بدانند. (النقی پور و بهرامی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۶) به اعتقاد گر هر چه میزان محرومیت نسبی برای گروهی بیشتر باشد پتانسیل خشونت سیاسی برای آن گروه بیشتر است. (پناهی، ۱۳۸۹: ۲۸۵) به اعتقاد گر پتانسیل خشونت جمعی قویاً تحت تأثیر شدت و گستره محرومیت نسبی در میان اعضای یک مجموعه قرار دارد. (گر، ۱۳۹۴: ۵۳)

به نظر ساموئل هانتینگتون^۲ در اثر نوسازی سریع اقتصادی و اجتماعی، آگاهی‌های سیاسی به سرعت گسترش می‌یابد و به تقاضای وسیع مشارکت سیاسی منجر می‌شود، اما چون نهادهای سیاسی لازم برای پاسخگویی به این تقاضا وجود ندارد، ناپایداری سیاسی به وجود می‌آید. وی معتقد است که بطور کلی توسعه اقتصادی ناقص باعث افزایش میزان توقعات انسانی می‌شود که سطح رفاه زندگی آنها سیر نزولی دارد، چرا که رشد شهرنشینی موجب مهاجرت مردم از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌شود. آروزهای دست نیافتنی بین آحاد جامعه افزایش می‌یابد. (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۴۳)

^۱ - Ted Robert Gurr

^۲ - Samuel P. Huntington

کارل مارکس^۱ معتقد است که یکی از علل بروز ستیز، توزیع نابرابر منابع کمیاب است. (افروغ، ۱۳۷۹: ۲۷۳) به زعم وی منشأ تحولات اجتماعی وجود تضاد طبقاتی در جامعه است که باعث قشربندی افراد جامعه شده و طبقه حاکم و محکوم به وجود می‌آورند. لذا مارکس در سؤال به اینکه چرا انسانها شورش می‌کنند، معتقد به مبنای تضاد طبقاتی، تحولات اجتماعی و شکاف اقتصادی در جوامع است.

رستو معتقد است بسیاری از بحرانهای اجتماعی منشأ سیاسی و تاریخی دارند. در جوامع درحال گذار مردم خواهان توسعه هستند، اما سیستم ظرفیت پذیرش مشارکت ندارد و نمی‌تواند مردم را مشارکت بدهد. بیکاری رشد یافته است، ارزش‌های سنتی قبل درهم ریخته و مدل جدید به عنوان یک هنجار پذیرفته شده، جایگزین نظام قبل نشده و مردم در سردرگمی هستند و نقشها به دلیل درهم ریختگی ارزشها آشفته است. بنابراین احساس تعلق به حاکمیت در مردم حداقل است. این تحولات در جوامع اجتناب‌ناپذیر بوده و جوامع درحال توسعه دچار بحرانهای سیاسی، اجتماعی می‌شوند. (شعبانی، ۱۳۸۵: ۲۹-۲۸)

به عقیده دورکیم^۲ شرایط اصلی ایجاد آنومی به عنوان یکی از مبنای مؤثر در بروز شورش، افزایش سریع و شدید حجم و تراکم جمعیت است. نتیجه افزایش جمعیت، بروز تضاد میان مردم عادی، شاغل و گروههای ذی‌نفوذ است. از نظر او، شهرنشینی سریع از دیگر علل آنومی است. در کنار تراکم جمعیت، تراکم اخلاقی نیز دخالت دارد (بشیریه، ۱۳۷۲، ۴۹) در مجموع، آنومی یک وضعیت آرزوی بی حد و حصر است که چون نمی‌توانند ارضاء شوند، یک نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می‌آید. (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۲۷)

مدیریت بحران:

بحران از هر نوع که باشد موجب بروز دو موضوع تهدید امنیتی و نیازمندی امنیتی می‌شود (یاوری، ۱۳۹۳: ۲۱) بنابراین، مدیریت بحران را می‌توان؛ مجموعه‌ای از مفاهیم نظری و

^۱ - Karl Marx

^۲ - Émile Durkheim

تدابیر عملی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سازماندهی، جهت مقابله با بحران دانست. (هواتمر، ۱۳۸۳: ۲) که برای پاسخ‌دهی به موقعیت بحرانی به کار می‌رود. (وهایی، ۱۳۹۵: ۴۶) اصلی‌ترین شاخص تفاوت بین بحران و مدیریت بر آن‌ها، در شیوه اتخاذی برای کنترل بحران خلاصه می‌شود. هر چقدر در ایجاد موانع پیش‌گیرنده از بحران‌ها و کنترل بر آن‌ها توفیق حاصل شود، به همان نسبت، مدیریت بحران نیز موفق خواهد بود. (حسینی و مسلمی، ۱۳۹۴: ۲۱) محققانی چون ریچاردسون^۱ (۱۹۹۴) و یا لیچت^۲ (۱۹۹۰) سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدیریت بحران را در مراحل سه‌گانه قبل، حین و بعد از بحران دسته‌بندی نموده‌اند.

مرحله قبل از بحران: شامل فعالیت‌هایی است که از وقوع پدیده‌های ناگوار پیشگیری می‌کند مانند: افزایش برنامه‌ریزی مدیریتی که کمک می‌کند تا اثرات بحران‌های بالقوه کاهش یابد. (penrose,2000:171) در واقع پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران و ایجاد آمادگی سازمانی، مهم‌ترین وظیفه سیستم مدیریت بحران متشکل از سازمان‌های مختلف امنیتی و غیر امنیتی قبل از بحران است. فعالیت‌های مربوط به این بخش از چرخه اساسی مدیریت به صورت برنامه‌ای جهت پیشگیری، ممانعت از وقوع بحران، کاهش اثرات بحران و جلوگیری از تشدید بحران محور اصلی فعالیت‌ها قرار می‌گیرد.

مرحله حین بحران: اقدامات مقابله‌ای را می‌توان بخشی از فرایند مدیریت و کنترل ناآرامی‌ها دانست که معطوف به مقطع زمانی خاصی است که در آن اقدامات پیشگیرانه بی‌نتیجه مانده و غیر مؤثر واقع شده باشد. در واقع اقدامات مقابله‌ای را می‌توان در راستای بازگردان نظم و امنیت اجتماعی، اعاده حقوق اجتماعی شهروندان مطلوب زندگی شهری، دفع تهدیدات علیه امنیت، ارزش‌ها، باورها و اقدامات مردم، اعاده مجدد امنیت روانی جامعه دانست. (وهایی، پیشین: ۶۱-۵۷)

¹ - Richardson

² - Lechat

مرحله پس از بحران: وظیفه اصلی سیستم مدیریت بحران پس از افول بحران و کنترل آن عبارت است از: ترمیم و بازسازی عواملی که در طول بحران صدمه دیده‌اند؛ همچنین پاسخگویی به سوالات و انتظارات به وجود آمده در طول بحران است. (همان: ۷۳)

بنابر آنچه گفته شد، فرایند مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی شامل: جلوگیری از وقوع ناآرامی؛ کسب آمادگی برای حفاظت بهتر در مقابل تأثیر عامل ناآرامی؛ پاسخ مؤثر به ناآرامی؛ و تهیه طرح‌ها و منابع برای ترمیم و بازسازی پس از ناآرامی می‌شود. (حسینی و جدی، ۱۳۸۴: ۳۴)

پیشگیری از بحران‌های اجتماعی:

واژه پیشگیری^۱ یک مفهوم کلی است و به معنای جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت شدن، جلو بستن یا پیش‌بینی کردن آمده و اصطلاحاً به مجموعه‌ای از اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای پیشگیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور متحمل بر فرد یا گروه، به عمل می‌آید. (منظمی‌تبار، ۱۳۸۴: ۱۸) پیشگیری گامی بسیار مهم در فراگرد مدیریت بحران است که قبل از وقوع بحران مطرح می‌شود، چه اینکه با پیشگیری می‌توان از بروز بسیاری از بحران‌ها جلوگیری کرد یا از شدت وقوع آنها کاست. (روشندل و دیگران، پیشین: ۷۴)

پیشگیری از بحران‌های سیاسی-اجتماعی و جبران آثار آن به عهده امنیت داخلی است. (بلندیان، ۱۳۹۱: ۴۸) و در واقع استفاده از تاکتیک‌ها و استراتژی‌های سیاسی و غیرسیاسی مؤثر و کارآمدی است که به منظور پیشگیری از وقوع حوادث تکراری بحران‌زا و پیدایش زمینه‌های مربوط، طراحی و انجام می‌شوند. تکنیک‌هایی نظیر: افزایش آستانه تحمل، قدرت پاسخگویی به نیازهای مشروع جامعه، کاهش شکاف‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، طبقاتی، تخصیص مقتدرانه ارزش‌ها در سطح جامعه، توسعه یافتگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، افزایش قدرت انتظامی (در ریز بدنه‌های جامعه)، پشتوانه و حمایت مردمی، ایجاد مجاری تخلیه اعتراض، تأمین خواسته و... طرف توجه قرار دارند. (تاجیک،

¹ - Prevention

پیشین: ۱۱۶-۱۱۵) بنابراین سطحی از امنیت به صورت پیشگیری تأمین می‌شود و قبل از بروز ناامنی، نظام اجتماعی و سیاسی، وارد شده و از ایجاد مؤلفه‌های ناامنی ممانعت می‌کنند که در قالب سطوح زیر پیگیری می‌شود.

انضباط اجتماعی :

انضباط اجتماعی ارتباط مستقیم با نظم اجتماعی دارد و هم به معنای مثبت آن شامل نظم، تربیت، تصحیح و تشویق و هم با بعد منفی آن شامل مچ‌گیری و تنبیه به کار رفته است. در مکتوباتی که به صورت پراکنده در منابع لاتین وجود دارد اکثراً آن را عامل بازدارنده پنداشته و در قالب مقررات، قواعد و قوانین تنبیهی مدون نموده‌اند. (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۰) بنابراین، پیشگیری در این رویکرد با تهدید قانونی و انضباطی تابعان حقوقی یک مجموعه و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت و محدودیت‌های قانونی را نقض کرده‌اند به صورت همزمان، در مقام پیشگیری خاص از تخلفات و جرائم است. (عسگری، ۱۳۸۸: ۲۱۹)

پیشگیری از وقوع جرم و اعمال مکانیزم‌های بازدارنده، نمونه‌هایی از این نوع تأمین امنیت است. امنیت در این رویکرد به مفهوم سلبی است که اقدام عملی برای حذف زمینه‌های خطر با استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری است. مسئولیت و نقش اصلی پیشگیری در آن بر عهده دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و قضایی است. اصلی‌ترین شاخص این رویکرد، همانا استفاده از ابزار اجبار و برخورد قهرآمیز با تهدیدهای داخلی است. (میرسندسی، ۱۳۹۱: ۳-۲) «سیاست کیفری» هر کشور، به میزان زیادی مبین چگونگی مواجهه با جرائم سیاسی-امنیتی و مشخص‌کننده شیوه تأمین و تدبیر امنیت داخلی است. سیاست کیفری در معنای فراگیر آن، اقدام‌ها و تدبیرهایی محسوب می‌شود که دولت و مردم، مستقلاً یا با مشارکت هم، برای سرکوبی مخالفان سیاسی، پیشگیری از این پدیده، حمایت از آسیب‌دیدگان و همچنین جبران آثار آن، پیش‌بینی می‌کنند و انجام آن اقدامات را بر عهده مراجع رسمی می‌گذارند. (بلندیان، پیشین: ۵۶)

انتظام ملی:

انتظام ملی واژه‌ای است که از حیث معنا وجوه متعددی از فعالیت‌های دولتی را شامل می‌شود و بر این باور بنیادین استوار است که دولت ابزاری است برای تأمین نظم و اعطاء آرامش خاطر شهروندان. (افتخاری، ۱۳۷۹: ۲۸) بنابراین، نهادهای تولید انتظام و اقتدار، ابزار اصلی فهم امنیت، نظارت و اجرای قوانین و قواعد مشترک آن نزد مخاطبان هستند.

بدین ترتیب امنیت و انتظام ملی هنگامی به عنوان مؤلفه اساسی برای پیشگیری از بحران‌های اجتماعی جوامع مد نظر قرار خواهد گرفت که نهادهای اقتدارساز امنیت داخلی شامل: رفاه و معاش عمومی، امنیت تجارت و مبادله، امنیت پس‌انداز، امنیت فکری و امنیت مدنی (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۵: ۸)، عهده‌دار یک یا چند بخش از وظایف و کارکردهای مشروع‌ساز قدرت هستند که بخش بزرگی از وظایف حفظ نظم و آرامش و امنیت قابل اتکاء در جامعه را عهده‌ار می‌شوند.

در واقع علاوه بر اقدامات دستگاه‌های قضایی، امنیتی و انتظامی، سیاست‌ها و برنامه‌های سایر دستگاه‌های دولتی نیز در تأمین امنیت و پیشگیری از تهدیدات مؤثر است. (بلندیان، پیشین: ۵۴) و نمی‌توان یک شخص یا نهاد خاص اجتماعی - سیاسی را تأمین کننده امنیت دانست و مجموعه‌ای از عوامل می‌توانند چنین نقشی را بر عهده گیرند. (زمانی، ۱۳۹۱: ۱۰۴) پس سطح دیگری از امنیت نیز وجود دارد که به صورت فرافعال تأمین می‌شود. یعنی از حالت امنیت سلبی خارج و امنیت از نوع ایجابی آن تولید می‌شود. (میرسندسی، پیشین: ۳-۲) در واقع مؤلفه‌هایی که در ارتقاء کیفیت زندگی افراد مؤثر است و نیز وصول جامعه به اهداف و ارزش‌های تعیین شده، در این رویکرد طرف توجه است. از این منظر امنیت به معنای رضایت و تناسب بین داشته‌ها و خواسته‌هاست (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۰۸) و تهدید، تنها در وضعیتی وجود دارد که آن جامعه در سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی و ارزش‌های حیاتی‌اش نباشد (همان: ۶۱). نقش اصلی در این نوع پیشگیری و تأمین امنیت را دستگاه‌های سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌نمایند. این رویکرد، نه

تنها کیفیت زندگی اجتماعی را ارتقاء می‌دهد بلکه از تولید ناامنی هم جلوگیری می‌نماید. ضمن آنکه بسیار کم‌هزینه‌تر از رویکرد مقابله با تهدید و ناامنی است. (مجردی، ۱۳۹۱: ۲-۱)

چشم انداز اسناد بالادستی در امنیت‌سازی :

سند چشم انداز بیست‌ساله کشور:

در متن اصلی سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین و عالی‌ترین سند بالادستی و به منزله راهنما و سندی فرابخش برای تأمین امنیت پایدار در کشور (علایی، ۱۳۹۱: ۱۱۹) بیان شده است: «برخورداری از رفاه مادی به مفهوم تأمین نیازهای متعارف خانوارها و ارتقای سطح درآمد آنها و ایجاد جامعه‌ای با اشتغال کامل و بدون بیکاری است. در چشم انداز بیست‌ساله، ایران کشوری برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب است» (متن سند چشم انداز). بنابراین تحلیل شیوه‌های امنیت‌سازی از دیدگاه سند چشم‌انداز نشان می‌دهد، ثبات، پایداری و امنیت کشور ناشی از شکل‌گیری ساختارهای باثبات، مشروعیت‌سازی، رضایتمندی، توسعه و پیشرفت و توان سیاست‌سازی است و در واقع می‌توان تولید قدرت از طریق کاهش و رفع آسیب‌ها را مهم‌ترین سیاست یا هدف امنیتی چشم‌انداز قلمداد کرد. (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۸۸)

سیاست‌های کلی نظام:

سیاست‌های کلی، چارچوبی برای قانون و اجرای آن توسط قوای حکومتی مشخص می‌کند که در حدود مفادشان الزام آورند؛ به این معنا که براساس مفاد این سیاستها، قوا و نهادهای حکومتی موظف به گام برداشتن در جهت تحقق آنها هستند. (اسماعیلی و طحان‌نظیف، ۱۳۸۷: ۱۱۱) سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در محورهای مختلفی دسته بندی شده است که کنار هم ابعاد مختلف جمهوری اسلامی ایران

را پوشش می‌دهند. در این مجال با توجه به موضوع مورد بحث، سیاست‌های متناسب استخراج شده است.

امنیت اقتصادی: مقوله ای است که هرچند با واسطه، در تأمین امنیت ملی نقشی عمده دارد؛ از این رو توجه به سیاست‌های امنیت‌زا برای عرصه اقتصاد داخلی بسیار ضروری است. موارد زیر از جمله سیاست‌های کلی نظام برای حصول امنیت اقتصادی است:

۱. حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع.
۲. هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و امور دیگری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است.
۳. قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی باشند.
۴. نظارت و رسیدگی و قضاوت درباره جرایم و مسائل اقتصادی باید دقیق، روشن و تخصصی باشد.
۵. شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

سیاست‌های کلی اشتغال: علاوه بر این «ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی» در سیاست‌های کلی این بخش، بی‌ارتباط با تأمین امنیت ملی نیست و می‌توان آن را در زمره اقدامات ایجابی برای تأمین امنیت ملی دانست. (اسماعیلی و بالایی، ۱۳۹۴: ۲۰-۱۷)

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی و از نوع پیمایشی است و از تکنیک دلفی جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. دلفی از مشهورترین روش‌های کیفی دستیابی به دیدگاه‌ها توسط طراحان و متخصصان است. (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۰۳) که از ابزارهای کمی نیز برای قانونمند کردن قضاوت‌های کارشناسی استفاده می‌کند. (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۳۸۹) بنابراین، روش‌های کمی و کیفی به تنهایی قادر به کسب

شناخت و درک شرایط در سطح و عمق نبوده و رویکرد پژوهش ترکیبی می‌تواند به این مهم یاری رساند.

جامعه آماری این تحقیق را تعداد ۲۵ نفر از صاحب‌نظران، مدیران و کارشناسان متخصص در رشته‌های علوم سیاسی، مدیریت، علوم انتظامی و امنیتی تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای^۱ (گلوله برفی^۲) به عنوان نمونه مورد پرسش قرار گرفتند. اگرچه از ابتدا قصد بر این بود که تعداد نمونه بیشتر باشد اما در حین انجام کار، این نتیجه دست داد که افزایش تعداد افراد، دانسته جدیدی را اضافه نمی‌نماید، لذا به استناد اصل اشباع داده به تعداد مذکور اکتفا شد.

روش تحلیل نیز برای موضوعاتی که توسط پرسشنامه آغازین فاقد ساختار گردآوری شده، از فنون تحلیل محتوا استفاده می‌شود. این پرسشنامه، در مرحله بعدی به یک پرسش‌نامه دارای ساختار تبدیل می‌شود که اساس دور دوم را تشکیل می‌دهد. اطلاعات دور دوم که ماهیت کمی دارند، با استفاده از فنون رتبه‌بندی و درجه‌بندی تحلیل می‌شوند. (پاشایی‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۰)

بدین ترتیب در دور نخست پرسشنامه این پژوهش، دیدگاه خبرگان در خصوص سوال باز علل و عوامل شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی مورد پرسش قرار گرفت که مؤلفه‌های به دست آمده با نظر اساتید و خبرگان تعدیل و اصلاح گردید که ماحصل این کار مؤلفه‌هایی است که به شرح جدول ۱ احصاء شدند و در دور دوم از خبرگان شرکت‌کننده درخواست شد میزان تأثیر و اهمیت هر یک از مؤلفه‌های به دست آمده را ارزیابی نمایند.

بنابراین روایی آن توسط گروه خبره و برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد، ثبات و سازگاری پرسشنامه، از مهمترین شاخص‌سازی درونی یعنی آزمون آلفای کرونباخ که مناسب برای پرسشنامه‌ای است که به صورت طیف لیکرت طراحی شده استفاده شده و

^۱ - Chine-referral

^۲ - Snowball Sampling

ضریب به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS22 (۳/۸۰٪) را نشان می دهد که در مجموع پرسشنامه از انسجام درونی مناسب و اعتمادپذیری بالایی برخوردار است.

یافته ها

یافته های توصیفی:

در این قسمت به بافت جمعیت شناختی جامعه آماری مورد توجه است که بررسی از لحاظ جنسیت نشان می دهد ۸۴٪ (۲۱ نفر) پاسخ دهندگان به پرسشنامه را مردان و ۱۶٪ (۴ نفر) پاسخ دهندگان را زنان تشکیل داده اند.

بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۵۰-۴۱ سال برابر با ۶۸٪ (۱۷ نفر) می باشد. طبقه سنی ۴۱ تا ۶۰ سال نیز با تعداد ۶ نفر معادل ۲۴٪ شرکت کنندگان را به خود اختصاص داده است. در طبقه سنی ۶۱ سال و بالاتر نیز تعداد ۲ نفر ۸٪ نمونه آماری را در بر می گیرد. از لحاظ رتبه علمی شرکت کنندگان نیز بیشترین فراوانی مربوط به رتبه علمی استادیار با ۸۴٪ نمونه آماری (۲۱ نفر) است. در رتبه بعدی تعداد ۳ شرکت کننده برابر با ۱۲٪ با رتبه علمی دانشیار در این پرسشنامه شرکت داشته اند. همچنین تعداد ۱ نفر با رتبه علمی استاد ۴٪ فراوانی نمونه آماری را به خود اختصاص داده است.

یافته های استنباطی:

پس از جمع آوری پرسشنامه دور دوم و به منظور آزمون رگرسیون از روش حداقل مربعات جزئی^۱ به عنوان یک جایگزین برای روش های رگرسیون، بکار گرفته شد. این روش زمانی که حجم نمونه کوچک بوده و یا توزیع متغیرها نرمال نباشد و مخصوصاً زمانی که جای تأیید مدل، تأکید بیشتر بر اکتشاف و پیش بینی می باشد، استفاده از رویکرد (PLS) پیشنهاد می شود. (امانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۸) بدین منظور از نرم افزار SmartPls 3 استفاده شد.

¹ - Partial Least Square

- **سنجش بار عاملی** : در این روش ابتدا وزن هر نشانگر بر روی سازه خود برآورد می‌شود. سپس با توجه به این وزن مقدار یا ارزش هر سازه محاسبه می‌شود و در نهایت از این مقادیر برای ایجاد معادلات رگرسیونی استفاده می‌شود. مقادیر بارهای عاملی بالاتر از ۰/۵ نشانگر سطح معناداری قوی و همبستگی زیاد است. لذا با حذف گویه‌های مذکور مقادیر بارهای عاملی مجدد بررسی شده و در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۱ - ضرایب بار عاملی علل شورش‌های شهری

متغیر	گویه	بار عاملی	
عوامل اقتصادی (E)	E1	تبعیض ، بی عدالتی و نابرابری های اقتصادی	۰/۵۱۴
	E2	کاهش تولید و اشتغال ناشی از تعدد نهادهای بودجه‌خوار	۰/۵۵۵
	E5	عملکرد و سیاست‌های اقتصادی ناموفق دولت در قبال تثبیت نرخ ارز، مؤسسات مالی ، بیکاری و...	۰/۵۳۶
	E6	شکاف طبقاتی به گونه‌ای که افرادی احساس می‌کنند که به آنها ظلم شده و می‌شود	۰/۷۳۱
	E7	فساد اقتصادی و اداری (رانت‌های اقتصادی به گروه خاص)	۰/۵۶۱
	E8	نارضایتی مال‌باختگان مؤسسات مالی، عدم دریافت حقوق شاغلین کارخانه‌ها و...	۰/۷۰۱
	E3	طرح افزایش قیمت حامل‌های انرژی و حذف یارانه‌ها در بودجه سال ۱۳۹۷	۰/۷۶۰
	P2	فساد سیاسی و رابطه‌سالاری	۰/۸۲۴
عوامل سیاسی (P)	P3	جدل سیاسی و تأثیرپذیری مردم از الگوهای رفتاری سیاسیون (مناظره‌های تلویزیونی)	۰/۸۲۳
	P4	سیاه‌نمایی در بحبوحه آشوب‌های اقتصادی و اجتماعی	۰/۷۹۳
	P5	عدم پاسخگویی مناسب نهادها و سازمانهای مسئول به خواسته‌ها	۰/۸۷۹
	P6	مانور دشمن برای افزایش نارضایتی‌ها و فشار از درون	۰/۸۵۱
	P9	ناتوانی در برآوردن حداقل نیازهای اساسی مردم	۰/۸۱۷
عوامل اجتماعی (S)	S2	تحولات ناشی از نوگرایی همچون : حاشیه‌نشینی، مهاجرت ، افزایش جمعیت	۰/۷۵۶
	S3	سهولت در ارتباط‌گیری از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی	۰/۶۴۳
	S6	جامعه‌بی‌اعتماد به توانایی و کارآمدی حکومت و مقاومت ناشی از آن در اجرایی شدن سیاست‌ها	۰/۸۳۵

۰/۷۳۸	افزایش آگاهی مردم از حکمرانی (پيامد وجود دانشگاه آزاد اسلامی و عملکرد شبکه‌های اجتماعی)	S8	علل و عوامل فرهنگی (C)
۰/۵۶۱	احساس ناامنی جوانان به دلیل محرومیت از منابع متعدد (بیکاری جوانان تحصیل کرده)	C4	
۰/۶۴۵	نامیدی نسبت به حل مسائل به صورت عادی	C5	
۰/۷۲۹	فقدان چشم انداز و امید به بهبود اوضاع	C6	
۰/۶۳۵	تغییر سبک زندگی و مطالبات	C1	

نتایج حاصل از تحلیل و بررسی ضرایب بارهای عاملی نشان می‌دهد در بین تمام شاخص‌ها، فقط سه شاخص فضای ناکافی و نامناسب برای فعالیت بخش خصوصی ($E4=0.27$)، تبعیض‌های جنسیتی و مذهبی ($C2=0.189$)، تحقیر ملی ($C3=0.212$) دارای بار عاملی کمتر از 0.3 بوده است. همچنین مقدار بارهای عاملی ۹ شاخص تمرکز فعالان سیاسی و جمعیت در شهر تهران ($S1=0.328$)، عدم وجود ترس از مجازات‌های قانونی ($S3=0.358$)، فساد لجام گسیخته در جامعه و عدم امکان برخورد به موقع با آن ($S5=0.413$)، ناکارآمدی در حقوق شهروندی نظیر آزادی مدنی، آزادی بیان ($S7=0.472$)، شکل‌گیری طبقات بی هویت ($C7=0.409$)، بی‌اعتنایی به مطالبات طبقه متوسط در حوزه‌هایی چون: حجاب، برگزاری کنسرت، نگهداری حیوانات خانگی ($C8=0.480$)، عدم برخورد مناسب و به موقع دستگاه‌های انتظامی و اطلاعاتی در شرایط شکل‌گیری شورش ($S3=0.315$)، اشرافیت در میان مسئولین (حقوق‌های نجومی و پدیده آقازادگی) ($P7=0.408$)، جو بسته حاکمیت و عدم گردش نخبگان ($P8=0.331$) کمتر از 0.5 است.

- **آلفای کرونباخ**: معیار کلاسیک برای سنجش پایایی و شاخص ارزیابی پایداری درونی محسوب می‌شود. پایداری درونی نشانگر میزان همبستگی یک سازه و شاخصهای مربوط به آن است.

جدول ۲ - ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی متغیرها

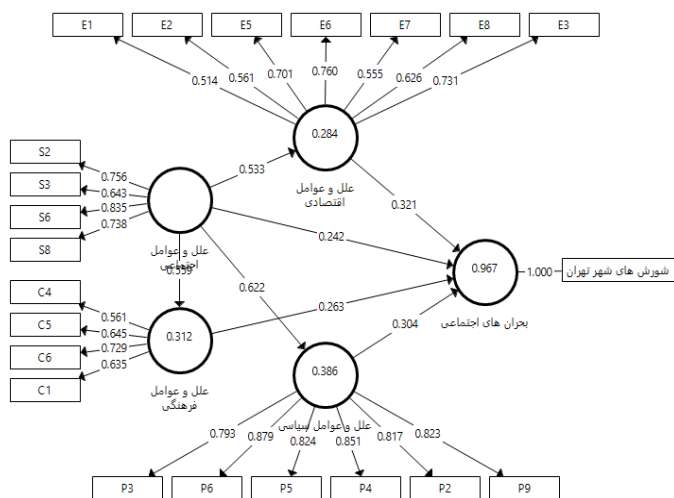
Reliability Statistics		
Cronbach's Alpha < 0.7	تعداد سوال	متغیر
0.786	۸	علل و عوامل اقتصادی بحران‌های اجتماعی

۰/۸۲۵	۹	علل و عوامل سیاسی بحران‌های اجتماعی
۰/۷۶۸	۸	علل و عوامل اجتماعی بحران‌های اجتماعی
۰/۷۱۱	۸	علل و عوامل فرهنگی بحران‌های اجتماعی

- معیار **R Squares** یا **R²** (واریانس تبیین شده):

معیار ضروری برای بررسی ضرایب تعیین R^2 مربوط به متغیرهای مکنون درونزای (وابسته) است که بیانگر تأثیر یک متغیر برونزا (مستقل) بر یک متغیر درونزا است. لازم به ذکر است مقادیر R^2 در داخل دایره‌های مدل نشان داده شده و تنها برای متغیر وابسته، R^2 محاسبه می‌شود و در مورد متغیرهای مستقل مقدار این معیار صفر است. این معیار در واقع نشان می‌دهد که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان ملاکی برای ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی می‌کنند.

اعداد واقع بر خطوط، ضریب مسیر و ارتباط بین متغیرهای مکنون را نشان می‌دهد. ضریب مسیر (ضریب بتا) بیان‌کننده وجود رابطه علی خطی و شدت و جهت این رابطه بین دو متغیر مکنون است. در حقیقت همان ضریب رگرسیون در حالت استاندارد است که عددی بین -۱ تا +۱ است که اگر برابر با صفر شوند، نشان‌دهنده نبود رابطه علی خطی بین دو متغیر پنهان است. ضریب مثبت نشان‌دهنده رابطه مستقیم و ضریب منفی نشان‌دهنده رابطه معکوس و ضریب صفر نیز نشان‌دهنده عدم وجود رابطه بین دو متغیر می‌باشد.



شکل ۱ - ضرایب مسیر، R^2 رویکردهای پیشگیری و علل شکل گیری بحران های اجتماعی یافته های تحقیق نشان داد علل و عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۹۶۷٪ از تغییرات شورش های شهر تهران را تبیین می کنند و مابقی آن (۳/۳ تغییرات) مربوط به سایر مولفه ها و عواملی است که در این پژوهش بررسی نشده اند.

در بین مؤلفه های عوامل اقتصادی، طرح افزایش قیمت حامل های انرژی و حذف یارانه ها در بودجه سال ۱۳۹۷؛ شکاف طبقاتی به گونه ای که افرادی احساس می کنند که به آنها ظلم شده و می شود؛ نارضایتی مال باختگان مؤسسات مالی، عدم دریافت حقوق شاغلین (خصوصاً در کارخانه ها) و...؛ فساد اقتصادی و اداری (رانت های اقتصادی به گروه خاص)؛ عملکرد و سیاست های اقتصادی ناموفق دولت در قبال تثبیت نرخ ارز، استمرار سیاست ضد تورمی، مؤسسات مالی، بیکاری و...؛ کاهش تولید و اشتغال ناشی از تعدد نهادهای بودجه خوار (زیادی نسبت هزینه اجرایی به عمرانی)، تبعیض، بی عدالتی و نابرابری های اقتصادی با ضرایب عاملی ۰/۷۶، ۰/۷۳، ۰/۷۰، ۰/۵۶، ۰/۵۵، ۰/۵۳ و ۰/۵۱ به ترتیب بیشترین تأثیر را در شورش های شهر تهران داشته اند.

بررسی و تحلیل مؤلفه های مربوط به عوامل سیاسی نیز نشان می دهد عدم پاسخگویی مناسب نهادها و سازمانهای مسئول به خواسته ها (انباشت نارضایتی) با ۰/۸۷؛ مانور دشمن برای افزایش نارضایتی ها و فشار از درون با ۰/۸۵؛ فساد سیاسی و رابطه سالاری ۰/۸۲؛

جدل سیاسی و تأثیرپذیری مردم از الگوهای رفتاری سیاسیون (مناظره‌های تلویزیونی) با ۰/۸۲؛ ناتوانی در برآوردن حداقل نیازهای اساسی مردم با ۰/۸۱ و سیاه‌نمایی در بحبوحه آشوب‌های اقتصادی و اجتماعی ۰/۷۹ به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر شورش‌های شهر تهران بوده است.

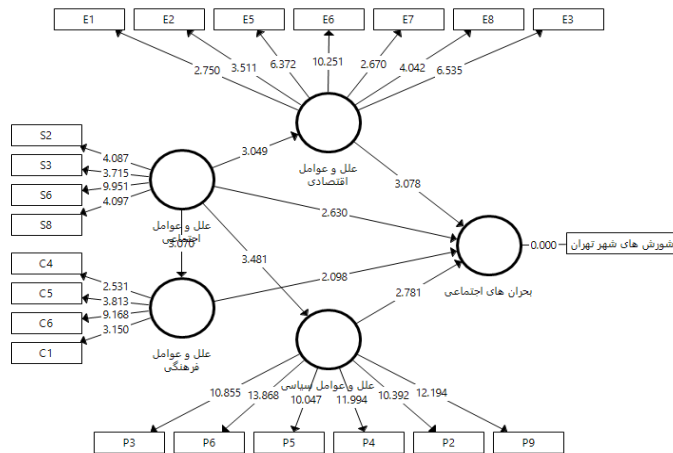
عوامل اجتماعی و تحلیل مؤلفه‌های مربوط به آن حاکی از آن است که جامعه بی‌اعتماد به توانایی و کارآمدی حکومت و مقاومت ناشی از آن در برابر اجرایی شدن سیاست‌ها با ۰/۸۳؛ تحولات ناشی از نوگرایی همچون: حاشیه‌نشینی، مهاجرت، افزایش تصاعدی جمعیت شهر با ۰/۷۵؛ افزایش آگاهی مردم از حکمرانی (پیامد وجود دانشگاه آزاد اسلامی و عملکرد شبکه‌های اجتماعی و...) با ۰/۷۳ و سهولت در ارتباط‌گیری از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با ۰/۶۴ به ترتیب بیشترین تأثیر را بر بحران‌های اجتماعی (شورش‌های شهری) تهران دارند.

همچنین بررسی و تحلیل مؤلفه‌های مربوط به عوامل فرهنگی نشان می‌دهد فقدان چشم‌انداز و امید به بهبود اوضاع با ۰/۷۲؛ ناامیدی نسبت به حل مسائل به صورت عادی با ۰/۶۴؛ تغییر سبک زندگی و مطالبات با ۰/۶۳ و احساس ناامنی جوانان به دلیل محرومیت از منابع متعدد (بیکاری جوانان تحصیل‌کرده) با ۰/۵۶ بر شورش‌های شهر تهران مؤثرند.

از سوی دیگر بررسی مقادیر مربوط به ضریب مسیرها نشان داد که به ترتیب عوامل اقتصادی با ۳۲/۱ درصد، عوامل سیاسی ۳۰/۴ درصد، عوامل فرهنگی ۲۶/۳ درصد و عوامل اجتماعی ۲۴/۲ درصد تغییرات مربوط به شورش‌های شهری را به طور مستقیم تبیین می‌کنند. در واقع سه ضریب ۰/۵۳۳، ۰/۶۲۲، ۰/۵۵۹ نیز نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر میانجی عوامل اقتصادی ۳۹/۷ درصد، از طریق متغیر میانجی عوامل سیاسی ۶۳ درصد و از طریق متغیر میانجی عوامل فرهنگی ۴۵/۳ درصد بر شورش‌های شهری تأثیر دارد.

– مقادیر معناداری t

برای بررسی میزان معنادار بودن ضریب مسیر، لازم است مقدار t هر مسیر نیز مورد توجه قرار گیرد. در صورتی که مقادیر t از ۱/۹۶ بیشتر باشد، بیانگر صحت رابطه است.



شکل ۲ – مقادیر t-values برای ارزیابی بخش ساختاری مدل پژوهش

همانطور که در شکل فوق مشاهده می‌شود، مقدار t ضرایب هر یک از مسیرها بیشتر از ۱/۹۶ است بنابراین مسیرهای پیش‌بینی شده علل و عوامل اجتماعی – شورش‌های شهری، علل و عوامل اقتصادی – شورش‌های شهری، علل و عوامل سیاسی – شورش‌های شهری، علل و عوامل فرهنگی – شورش‌های شهری، علل و عوامل اجتماعی – علل و عوامل اقتصادی، علل و عوامل اجتماعی – علل و عوامل سیاسی و علل و عوامل اجتماعی – علل و عوامل فرهنگی در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادارند.

جدول ۳ – نتایج آزمون روابط میان متغیرهای مکنون پژوهش

P Values	T Statistics	ضریب مسیر	مسیر
۰/۰۰۹	۲/۶۳	۰/۲۴۲	علل و عوامل اجتماعی –> بحران‌های اجتماعی
۰/۰۰۲	۳/۰۷۸	۰/۳۲۱	علل و عوامل اقتصادی –> بحران‌های اجتماعی
۰/۰۳۶	۲/۰۹۸	۰/۲۶۳	علل و عوامل فرهنگی –> بحران‌های اجتماعی
۰/۰۰۶	۲/۷۸۱	۰/۳۰۴	علل و عوامل سیاسی –> بحران‌های اجتماعی
۰/۰۰۲	۳/۰۴۹	۰/۵۲۳	علل و عوامل اجتماعی –> علل و عوامل اقتصادی

۰/۰۰۱	۳/۴۸۱	۰/۶۲۲	علل و عوامل اجتماعی -> علل و عوامل سیاسی
۰/۰۰۲	۳/۰۷	۰/۵۵۹	علل و عوامل اجتماعی -> علل و عوامل فرهنگی

نتیجه‌گیری

بحران‌ها و شورش‌ها شهری یکی از معضل‌ها و دغدغه‌های اصلی جوامع در حال گذار است. در واقع با گسترده شدن شهرنشینی و افزایش سطح انتظارات و شتاب گرفتن آن و برآورده نشدن نیازهای شهروندی و ناکامی در دستیابی به اهداف، به وجود آمدن فاصله نامطلوب بین انتظارات مشروع افراد و آنچه در جامعه برای تحقق چنین انتظاراتی وجود دارد، موجب بروز رفتارهای نابهنجار می‌شود و به آشوب و اغتشاش می‌انجامد و از آنجایی که وجه مشخصه امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و یا استفاده از ابزارهای خشونت‌زا می‌باشد، دولت‌ها را به سمت کنترل عامل ناامنیت‌ساز با تمسک به رفتارهایی همچون تشدید اعمال قوانین کیفری، تقویت کارکردهای پلیسی-امنیتی می‌کشاند.

حال آنکه نگاه مجرد به بحران‌های اجتماعی فارغ از مسایل و مشکلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و اتخاذ رویکرد صرف سیاسی و امنیتی به آن و گره زدن بحران‌های اجتماعی به سرنوشت نظام سیاسی موجود شیوه درست و صحیحی در بررسی و مدیریت آن‌ها به نظر نمی‌رسد. چرا که هر بحران اجتماعی مولود مسائل و مشکلات گوناگونی است که شناخت ابعاد و ویژگی‌های آن‌ها از قدم‌های اولیه در مدیریت بحران خواهد بود. در واقع شناسایی متغیرهای تهدید کننده می‌تواند در پیشگیری و کنترل بهنگام شورش‌هایی که به دلایل مشکلات اقتصادی، اعتراضات سیاسی و محرومیت‌های متعدد و متفاوت به وجود می‌آیند، تا حد زیادی مؤثر و مفید باشد.

بدیهی است نهادهای حکومتی، به دلیل برخورداری از امکانات و توانایی‌های بالقوه و بالفعل، ایفاگر نقش محوری و اساسی در مدیریت و مهار بحران‌های اجتماعی هستند و دولت به عنوان نماینده قانونی ملت و جامعه می‌بایست مسئولیت تأمین امنیت و مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی را در قالب وظایف قانونی اعم از ایجابی و سلبی به نهادها و سازمان-

های مختلف بسپارد، اما واگذاری مسئولیت مهار بحران‌های اجتماعی به نهاد و سازمانی خاص، بدون توجه به علل و عوامل بروز و ظهور بحران‌های اجتماعی، نمی‌تواند زمینه لازم برای انجام سیاست‌گذاری امنیتی و تأمین امنیت مطلوب را فراهم سازد. در مجموع با نگاهی به سیر سیاست‌گذاری راجع به مدیریت بحران‌های اجتماعی مشخص می‌گردد با وجود آنکه پیشگیری از وقوع بحران در قالب پیشگیری اجتماعی، بر مقابله با وقایع، مقدم و کم هزینه‌تر است، اما اقداماتی که در حال حاضر با عنوان تأمین امنیت به منظور پیشگیری از بحران‌های اجتماعی به عمل می‌آید، به صورت عمده اقدامات سلبی و مقابله‌ای در کاهش جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی بوده و بعد سلبی و مقابله‌ای آن نسبت به سایر ابعاد ایجابی از قبیل پیشگیری، ارائه خدمات اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی و تعامل نهادها و انتظام ملی، نفوق و برتری دارد.

پیشنهاد

- تأمین نیازهای اولیه جامعه و فراهم آوردن بسترهای لازم برای رشد و توسعه جامعه، خود به خود بخشی از نیازهای امنیتی جامعه را برطرف می‌سازد یا زمینه‌های شکل‌گیری و بروز تهدیدات امنیتی را از بین می‌برد. در واقع توجه به رفع نیازهای جامعه در حوزه‌های گوناگون غیرامنیتی، عملاً بدون ایجاد حساسیت به رفع نیازهای امنیتی جامعه منجر شده و هزینه‌های دولت را در جامعه برای برقراری امنیت کاهش می‌دهد.

- پیدایش توقعات و بالا رفتن انتظارات بدون در نظر گرفتن امکانات دولت نیز از علل بروز شورش‌های شهری است. بنابراین با ایجاد تعادل بین خواسته‌ها و داشته‌ها توسط نهادهای تعلیمی و اجتماعی می‌توان فعالیت‌هایی را در قالب تربیت امنیتی جامعه انجام داد که افکار عمومی را از موضوعات نامشروع و یا ناممکن دور سازند.

- یکی از کارکردهای اصلی رسانه‌های داخلی همانا پاسخگویی به نیازهای تفریحی جامعه و اوقات فراغت عمومی است، این رسانه می‌تواند با تهیه و پخش گزارش‌های واقع‌بینانه‌تر، ضمن ترمیم رابطه خود با مردم، به ارتقای آگاهی‌های عمومی و بهبود رابطه مردم با نظام نیز کمک کند و مانع از آن می‌شود که مردم رسانه‌های بیگانه و معاند را به عنوان مرجع رسانه‌ای و سرگرمی خود انتخاب کنند.

- بر اساس نتایج این پژوهش، یکی از علل و عوامل عمده ایجاد بحران‌های اجتماعی تحولات ناشی از نوگرایی همچون: حاشیه‌نشینی، مهاجرت، افزایش تصاعدی جمعیت شهری است؛ به طوری که روند تحولات تهران در چند دهه اخیر به گونه‌ای بوده که زمینه‌های ناپایداری امنیتی را در این شهر فراهم آورده است. یکی از راهکارهای مثبت در این زمینه، سرمایه‌گذاری در مبدأ می‌باشد تا مهاجرت به کلان‌شهر تهران تنظیم و کنترل گردد.

- بر اساس نتایج تحقیق وجود فساد، چه در کلیت نظام سیاسی و اقتصادی و چه در نظام اداری آن، موجب کاهش اعتبار اجتماعی و حیثیت آن، از دست رفتن اعتماد و احترام مردم نسبت به نهادها و دستگاه‌های حکومتی می‌شود که نتیجه‌ای جز نارضایتی جامعه در پی نخواهد داشت. از این رو یکی از سیاست‌های بهینه پیشگیری از بحران‌های اجتماعی، نگاهی جامع، فرابخشی و راهبردی برای صیانت از «سرمایه اجتماعی» در ساختار امنیتی است. در این راستا گسترش حسابرسی شفاف و انتشار و در معرض قضاوت همگان قرار دادن عملکرد دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- مهار مؤلفه‌های بحران‌زا به عنوان یکی از حوزه‌های چالش در امنیت داخلی، به رویه و تصویب قوانین فرابخشی با مدیریت پیش‌رویدادی نیاز دارد. این روند وجود یک نهاد و یا تشکیلاتی نظیر «شورای ملی پیشگیری بحران‌های اجتماعی» را که با اراده راسخ به مسئله شناسی در امور امنیتی بپردازد و مطالبات و انتظارات اجتماعی که از نظر کمی و کیفی به مرز بحرانی رسیده‌اند را شناسایی، تجمیع و اولویت‌بندی نماید و درباره اینکه چه قسمتی از مسئله و از کجا برای حل آن باید اقدام کرد، تصمیم گرفته خواهد شد.

منابع فارسی:

- ابطحی، حسین؛ یاوری بافقی، امیر حسین؛ اسماعیلی، احمدرضا (زمستان ۱۳۹۰) "طراحی مدل پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیشگیری از آنها توسط ناجا" فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۱۶. (صص ۱ تا ۳۴)
- احمدوند، علی‌محمد؛ اشراق، حمیدرضا؛ کریمی‌خوزانی، علی (بهار ۱۳۹۱) "مدیریت بحران‌های اجتماعی (اعتصاب، تظاهرات اعتراض آمیز و...) با رویکرد پلیس جامعه محور" توسعه انسانی پلیس، شماره ۴۰، (صص ۱۱۳ تا ۱۲۸)

- اسماعیلی، محسن؛ طحان‌نظیف، هادی (۱۳۸۷)، "تحلیل ماهیت نهاد سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران"، مجله معارف اسلامی و حقوق، شماره ۲۸. (از صفحه ۷۸ تا ۱۲۰)
- اسماعیلی، محسن؛ بالایی، حمید (۱۳۹۴) "الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران" فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۲۷. (از صفحه ۵ تا ۳۸)
- افتخاری، اصغر (پائیز ۱۳۸۳) "مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت" فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره سوم، (صص ۴۲۵ تا ۴۵۲)
- افروغ، عماد (بهار و تابستان ۱۳۷۹) "ابعاد داخلی و منطقه‌ای امنیت ملی ایران: شورشهای شهری و امنیت داخلی" فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۸۰۷. (صص ۲۷۱ تا ۲۷۸)
- امانی، جواد؛ خضری‌آذر، هیمین؛ محمودی، حجت (۱۳۹۱) "معرفی مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS-PM)" مجله بر خط دانش روان‌شناختی، سال اول، شماره ۱. (صص ۴۱ تا ۵۵)
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، "انقلاب و بسیج سیاسی" تهران: دانشگاه تهران.
- بلندیان، غلامحسین (۱۳۹۱) "جامعه‌شناسی امنیت داخلی" تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پاشایی‌زاده، حسن (تابستان ۱۳۸۶) "نگاهی اجمالی به روش دلفی" بیک نور، دوره ششم، شماره دوم (صص ۶۳ تا ۷۹)
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹) "نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها"، تهران، سمت.
- پیری، حیدر (۱۳۹۴) "فراز و فرود حاکمیت در مقابله با شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی در پرتو حقوق بین الملل" مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و نهم، شماره نود و دوم (صص ۵۴ تا ۷۸)
- تابلی، حمید؛ کریمی افشار، سمانه؛ و اشرف زاده، الهام (بهار ۱۳۹۱) "بررسی مدل‌های مدیریت بحران در رمان دا" نشریه ادبیات پایداری، شماره ۵ و ۶ (صص ۷۷ تا ۱۰۴)
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹) "مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران" تهران: فرهنگ گفتمان.
- حسینی، حسین؛ جدی، سیدمجید (۱۳۸۴) "مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی" جلد اول، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- حسینی، حسین؛ مسلمی، سیاوش؛ (بهار ۱۳۹۴) "راهبردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی برای کنترل بحران امنیتی" شماره ۱۵ (صص از ۹ تا ۳۴)
- ره‌پیک، سیامک "آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی، در تحقق اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله مطالعات دفاعی استراتژیک" زمستان ۱۳۸۵ - شماره ۲۸ (از ۸۵ تا ۹۶)
- روشندل اربطانی، طاهر؛ پورعزت، علی اصغر؛ قلی‌پور، آرین (تابستان ۱۳۸۸) "تدوین الگوی جامع فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت" فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم (صص ۶۳ تا ۸۰)
- زمانی، علی‌اکبر (۱۳۹۱ زمستان) "تبیین شاخص‌های دفاع همه‌جانبه در تأمین امنیت داخلی" فصلنامه امنیت ملی، سال دوم، شماره ۹، (صص ۹۱ تا ۱۱۶)

- ساروخانی، باقر (بهار ۱۳۸۳) "دلفای کیفی، ابزار پژوهش در علوم اجتماعی" فصلنامه مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، دوره ۲، شماره ۴ (صص ۸۵ تا ۱۲۲)
- سلیمی، اکبر (تابستان ۱۳۹۳) "تبیین علل پدیده ناآرامی‌های شهری در کشورهای در حال گذار" فصلنامه دانش انتظامی خراسان رضوی، دوره ششم، شماره ۲۴ (صص ۱۳۵ تا ۱۵۲)
- شعبانی، ناصر (۱۳۸۵) "توسعه و پدافند بارویکرد انتظامی" تهران: معاونت آموزش دانشگاه علوم انتظامی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۰) "فنون پیش‌بینی" تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۰) "فنون پیش‌بینی" تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
- عسگری، محمود (تابستان ۱۳۸۸) "بسیج و مقابله با شورشهای داخلی" مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۴۳ (صص ۸۱ تا ۱۱۶)
- عساریان نژاد، حسین؛ مومنی، اسکندر؛ (تابستان ۱۳۹۰) "تبیین و ترسیم مولفه‌ها و شاخص‌های تولید اختلال و بی‌نظمی اجتماعی" فصلنامه امنیت ملی، سال یکم، شماره یکم (صص ۹۹ تا ۱۲۳)
- عساریان نژاد، حسین (بهار ۱۳۸۵) "آسیب‌شناسی تصمیم در راهبرد امنیت ملی" فصلنامه نگرش راهبردی، شماره ۷۷ و ۷۸ (صص ۵۱ تا ۷۲)
- علائی، حسین (تابستان ۱۳۹۱) "امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران" آفاق امنیت، شماره ۱۵ (از صفحه ۱۱۹ تا ۱۴۷)
- کریمائی، علی‌اعظم (۱۳۸۹) "انضباط ملی و امنیت اجتماعی" تهران: انتشارات دعا.
- کریمی‌خوزانی، علی؛ عزیزآبادی‌فراهانی، فاطمه؛ غفاری، غلامرضا؛ صالحی امیری، سیدرضا (زمستان ۱۳۹۶) "ارائه الگوی مطلوب اخلاق مداری پلیس در مواجهه با بحران‌های اجتماعی (ازدحامات، اغتشاشات و اعتراضات خیابانی)" پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال دهم، شماره چهارم (صص ۱ تا ۲۶)
- گره‌تدرا برت (۱۳۹۴) "چرا انسانها شورش می‌کنند"، ترجمه علی مرشدی زاد، چاپ چهارم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجردی، سعید (۱۳۹۱) "ایترن و امنیت اجتماعی" تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴) "درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی" چاپ دوم، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- منظمی تبار، جواد (۱۳۸۴) "مبارزه با جرائم اجتماعی" تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- میرسنده‌سی، سیدمحمد (۱۳۹۱) "جامعه‌شناسی تاریخی امنیت در ایران" تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- النقی پور، رسول؛ بهرامی، تورج (۱۳۹۵) "مدیریت بحران (با رویکرد: طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و امنیت اجتماعی)" تهران، انتشارات آراد.
- هواتمر، جerald جی (۱۳۸۳) "مدیریت بحران" ترجمه مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، تهران: نشر پردازش.

- وهابی، فرجام (۱۳۹۵) "امنیت عمومی و مدیریت بحران" تهران، انتشارات موجک.
- یآوری بافقی، امیرحسین (۱۳۹۳) "الگوی ساختاری پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی" تهران: نشر دانشگاه علوم انتظامی امین.

منابع انگلیسی :

- Burnett, John J. (1998). "A strategic approach to managing crisis" public relation review, vol 24, no4, Win, pp.457-488.
- Lechat, M. F. (1990). The international decade for national disaster reduction background and objectives, Disaster (the journal of disaster studies, policy and management), 14(1): 1-6.
- Lloyd Roberts, David, Staying Alive (2005) Safety and Security Guidelines for Humanitarian Volunteers in Conflict Areas, ICRC.
- Penrose, J. M. (2000) The role of perception in crisis planning . Public relation review, Vol.26(2), pp155-171.
- Pollard David and Hotho Sabine, (2006) "Crises, scenarios and the strategic management process", Management Decision , Vol. 44 Issue: 6, jul, pp.721-736.
- Richardson, B. (1994). Socio-technical disasters: profile and prevalence, Disaster Prevention and Management, 3(4), pp. 41-6.